رویداد

سرمربی اسپانیا اخراج شد

مثلث عشقی با تم خیانت

بهرام سرگوسرایی

داستان لوپتگی و رئال‌مادرید و تیم ملی اسپانیا مثل داستان‌های مثلث عشقی است. همه‌چیز عالی است. همه‌چیز خوب پیش می‌رود. ماتادورها با سرمربی جوان‌شان یکی از بخت‌های اول قهرمانی به حساب می‌آیند. همه درباره قدرت این تیم و مجموعه جذابی که بازیکنان و مربی در کنار هم به وجود آورده‌اند حرف می‌زنند. ما خودمان مدام به این فکر می‌کنیم که در مقابل اسپانیای آماده لوپتگی چه‌کار کنیم. اما جو تیم ملی اسپانیا حسابی تحت تاثیر آرامش قبل از توفان قرار دارد. لبخندها، بگوبخندها، سرزندگی‌ها؛ کسی نمی‌داند قرار است چه اتفاق مهمی درست دو روز قبل از بازی اول اسپانیا مقابل سخت‌ترین رقیبش در گروه، یعنی پرتغال رقم بخورد. خبر کوتاه بود و شاید نه چندان عجیب. چون بارها نمونه‌اش را دیده بودیم. «لوپتگی بعد از جام‌جهانی هدایت رئال را بر عهده خواهد گرفت». اینکه مربیان بزرگ بعد از مسابقات سر از یک باشگاه بزرگ دربیاورند اتفاقی معمول در فوتبال روز دنیاست. حالا همه در مورد خوب یا بد بودن انتخاب پرز حرف می‌زنند. در مورد موفقیت یا عدم‌موفقیت لوپتگی در برنابئو. تا اینکه سروکله ضلع سوم مثلث عشقی لوپتگی-رئال-فدراسیون فوتبال اسپانیا پیدا می‌شود. روبیالس، رییس فدراسیون فوتبال اسپانیا به فاصله چند ساعت پس از اعلام خبر آغاز رابطه لوپتگی-رئال موضع‌گیری خودش را اعلام می‌کند: «ما مربی پیمان‌شکن نمی‌خواهیم!» حالا توفان آغاز شده. اوضاع حسابی به‌هم ریخته. مدعی کسب عنوان قهرمانی جهان با چنان چالشی مواجه شده که تا مدت‌ها کسی یادش نمی‌رود. آیا اسپانیا بدون لوپتگی باید در جام حاضر شود؟ آیا فدراسیون اسپانیا کوتاه می‌آید؟ اگر لوپتگی برود چه کسی جانشینش می‌شود؟ در این میان ما ایرانی‌ها از همه مشتاق‌تریم به پیگیری اخبار. گویا از خود اسپانیایی‌ها هم بیشتر. بله! در نهایت درام اتفاق می‌افتد. یک نفر باید برود. روبیالس نمی‌تواند پنهان‌کاری شریکش را تحمل کند. رابطه‌ای که پای نفر سومی در آن وسط باشد به درد نمی‌خورد. مهم نیست دو روز مانده باشد تا شروع جام. مهم نیست تمرکز تیم به هم بخورد. مهم نیست حتی اگر تیم نتیجه نگیرد. مرغ یک پا دارد. بحث غرور وسط است. یعنی چی که بدون اطلاع ما، با شریک ما قرار می‌گذارند؟ این جمله را احتمالا روبیالس پیش خودش گفته. کسی که اعلام کرد از همان لحظه اعلام خبر تصمیم خودش را گرفته بوده. داستانی که امروز در مورد اتفاقات فوتبال اسپانیا رخ داده، همه ویژگی‌های یک درام عاشقانه با تم خیانت را دارد. جدا از بازیگران اصلی، روایت نقش‌های درجه دو را هم به صورت کامل پرورانده. خورخه مندس، مدیر برنامه‌های لوپتگی یکی از نقش‌های فرعی اما حیاتی داستان را بازی می‌کند. کسی که احتمالا زیر پای مربی جوان نشسته تا او را به رئال ببرد و از آن طرف پرز را جری کرده تا زودتر این اتفاق بیفتد. خورخه مندس پرتغالی هیزم‌بیار معرکه است. در کمپ تیم رقیب. از دسته کسانی که با وسوسه و حرف‌های در گوشی رابطه‌ها را خراب می‌کنند. از آن طرف حلقه دوستان و آشنایان را داریم که می‌خواهند ریش‌سفیدی کنند و شر را بخوابانند: راموس و اینیستا. اما کاری از پیش نمی‌برند. ما هم این وسط نقش شاهد را بازی می‌کنیم. شاهدی که فکر می‌کند از جریان منتفع شده، اما واقعیت نشان می‌دهد که در هر صورت ما جلوی اسپانیا، چه با لوپتگی، چه بی لوپتگی، چه با تمرکز، چه بی‌تمرکز، روز فوق‌العاده سختی خواهیم داشت.

نگاه-۱

اسپانیا جمعه شب به مصاف پرتغال می‌رود

راموس و رونالدو این بار علیه هم

از همان روزی که در کاخ کرملین، گروه‌بندی جام جهانی مشخص شد، همه کارشناسان متفق‌القول، اسپانیا و پرتغال را مدعیان اصلی صعود از گروه B می‌دانستند. یک جنگِ تمام‌عیار بین ستارگانی که هرکدام به تنهایی جزو بهترین‌های دنیا هستند و حالا باید پنجه در پنجه یکدیگر از همین ابتدا بر سر صعود و سرگروهی جدال کنند. اما در این بین به نظر می‌رسد جنجال اخراج لوپتگی و انتخاب هیه‌رو به جای او، بدترین آفتِ اردوی لاروخاست. یک گل به خودی دقیقه نودی، که می‌تواند شیرازه اردوی اسپانیا را از هم بپاشد. ماتادورها اما، همیشه ادعا دارند که هیچگاه از هم نمی‌پاشند. آنها که پس از ناکامی در جام جهانی ۲۰۱۴ و یورو ۲۰۱۶ با مربی جدید خود لوپتگی بلیت روسیه را گرفتند، با ترکیبی از جوان‌های سرحال و البته باتجربه‌هایی مثل اینیستا و بوسکتس به روسیه سفر کرده‌اند که این ترکیب با چگالی تکنیکی بالا، پتانسیل این را دارد که برای دومین بار قهرمان جهان شود. کما اینکه کسب ۹ برد و یک تساوی در دور گروهی و صعود بالاتر از ایتالیا، گواه انگیزه و تلاش بالای‌شان برای قهرمانی است. لاروخا، در تمامی ادوار جام جهانی، ۵۹ بازی انجام داده، ۲۹ برد کسب کرده، ۱۲ مساوی داشته و ۱۸ باخت را تجربه کرده است. همچنین طی این تعداد بازی، ۹۲ بار تور دروازه حریف را لرزانده‌اند و ۶۶ بار دروازه‌شان را بازشده دیده‌اند.

اما در مقابل، پرتغال این سال‌ها دیگر آن تیم بدون موفقیت گذشته نیست. شاگردان سانتوس که در یورو ۲۰۱۶ پرنده خوشبختی روی شانه‌های‌شان نشست، موفق شدند با خوش‌شانسی و با یک برد در وقت‌های اضافه، بر بام اروپا بنشینند. آنها در مرحله مقدماتی، با کسب ۹ برد و تنها یک باخت، با تفاضل گل بهتر نسبت به سوییس به عنوان تیم اول گروه مسافر مسکو شدند. سلسائوی اروپا اما، در تاریخ جام جهانی آمار بهتری نسبت به اسپانیا دارد. آنها سال ۱۹۶۶ با درخشش اوزه‌بیو اسطوره‌ای، به سومی جهان رسیدند و در سال ۲۰۰۶ با ستارگانی مانند فیگو، دکو و رونالدو چهارم شدند. پرتغالی‌ها، طی ۲۶ بازی در طول جام‌های جهانی، ۱۳ برد، ۴ مساوی و ۹ شکست را تجربه کرده‌اند؛ ۴۳ گل زده‌اند و ۲۹ بار توپ به تور دروازه‌شان چسبیده. با تمامی این تفاسیر اما، جلوه اصلی این بازی، در ساق‌های رونالدو و تقابل او با ستارگان اسپانیا نهفته است. کریس که چهارمین حضور پیاپی‌اش در جام جهانی را تجربه می‌کند، برخلاف جام‌های قبلی که هیچگاه با شرایط روحی و بدنی خوبی راهی این مسابقات نشد، امسال در ۳۳سالگی و در اوج آمادگی و پختگی، تیمش را در روسیه رهبری می‌کند و بی‌شک دوئل او با هم‌تیمی‌هایی مثل راموس و آسنسیو می‌تواند یکی از جذابیت‌های جام را در همین ابتدا رقم بزند. این بازی حیاتی، می‌تواند حکم به سرگروهی و موفقیت تیم برنده در ادامه راه هم بدهد.

در ۶ بازی رودرروی اخیر دو تیم، سه بار اسپانیا پیروز بوده، دو بار پرتغال و یک بار هم کار به تساوی کشیده شده است. دو تیم قهرمان‌های اروپا هستند و مردم دو کشور امید زیادی به موفقیت تیم‌شان در جام جهانی دارند. این دیدار مهم‌ترین بازی‌ای است که در دور گروهی در ورزشگاه سوچی برگزار می‌شود.

پرتغال و اسپانیا هر دو نسبت به قبل پوست‌اندازی کرده‌اند و تیم جوانی در اختیار دارند. اما در نهایت جوان‌های اسپانیایی تجربه بسیار بیشتری از جوان‌های پرتغالی دارند و حساب ویژه‌تری روی آنها باز می‌شود. باید بدانیم پرتغال در ۲۵ بازی اخیر خود بعد از قهرمانی جام ملت‌ها فقط سه بار شکست خورده و سیستم تدافعی این تیم حسابی غیرقابل نفوذ است. غیبت احتمالی دنی کارواخال در این مسابقه هم می‌تواند کار ماتادورها را گره بزند. در سوی مقابل، اسپانیا در ۲۰ بازی اخیر خود شکست‌ناپذیر بوده و در بهترین فرم خودش به جنگ پرتغال می‌رود. به‌هر حال لوپتگی از این تیم اخراج شده و باید دید هیه‌رو می‌تواند تیم را تا موقع بازی یک‌دل و منسجم کند و اجازه ندهد این گل به‌خودی فدراسیون اسپانیا به باخت‌شان منجر شود یا خیر. وبسایت «هواسکورد» پیش‌بینی کرده این بازی با نتیجه یک بر صفر به سود اسپانیا به پایان می‌رسد. آنها با در نظر گرفتن مصدومیت کارواخال و اخراج لوپتگی، همچنان معتقدند این تیم می‌تواند به عنوان تیم اول از گروهش صعود کند و حداقل تا جمع هشت تیم پایانی بدون مشکل به راهش ادامه بدهد.

رئال مادرید در صورت شکست اسپانیا در بازی اول و گره خوردن کار این تیم، به شدت مورد انتقاد رسانه‌ها قرار خواهد گرفت و اگر اسپانیا به هر شکلی در این جام قهرمان نشود، همیشه صحبت از این خواهد بود که او با خودخواهی‌اش باعث عدم قهرمانی اسپانیا در جام جهانی شده است. اگر پرتغال در این بازی شکست بخورد، تیم ملی ایران مقابل سلسائو کار بسیار سختی خواهد داشت و گرفتن حتی یک امتیاز هم از آنها دشوارتر از قبل خواهدشد.

گزارش

ایران جمعه در سن پترزبورگ به مصاف مراکش می‌رود

نسل ما هم حق شادی دارد

FIFA

علی کربلایی

دیدار با مراکش مثل رانندگی در گرگ‌ومیش، خطرناک است. دید کافی وجود ندارد و هر لحظه امکان وقوع یک فاجعه وجود دارد. با وجود ادعای کارشناسان که این تیم را خوب می‌شناسند، حتی کارلوس کی‌روش هم این تیم را به‌خوبی نمی‌شناسد. در چند پست وضعیت مشخصی دارند، اما هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید چه نقطه ضعف یا قوتی دارند. جمعه، ساعت هفت و نیم عصر هشتاد میلیون نبض تندتر خواهد زد. قلب‌ها یکی خواهند شد و کسی چشم از یوزپلنگ‌های تیم ملی برنمی‌دارد. یک نسل، سال‌هاست برای یک افتخار بزرگ لحظه‌شماری می‌کند و همیشه این انتظار با سرخوردگی به پایان می‌رسد. از اولین و آخرین برد تیم ملی ایران در جام‌جهانی بیست سال می‌گذرد. در این بیست سال نه قهرمان جام ملت‌ها شدیم و نه حتی باشگاه‌های‌مان افتخار بزرگی برای‌مان رقم زدند. اکثر متولدین دهه هفتاد و هشتاد، هنوز شاهد هیچ پیروزی بزرگی از تیم ملی نبوده‌اند. پیروزی مقابل استرالیا و امریکا زمانی به‌وقوع پیوست که آنها یا کودک بودند یا حتی هنوز به‌دنیا نیامده بودند. با وجود اینکه از فوتبال به عنوان دلخوشی جوان ایرانی یاد می‌شود، اما این جوانان در عرصه جهانی هرگز شاهد یک پیروزی بزرگ نبوده‌اند. حسرت یک خوشحالی واقعی از پیروزی تیم ملی در گلوی این نسل گیر کرده. کارناوال‌های شادی کوچک بعد از شکست مقابل آرژانتین نشان‌دهنده همین موضوع است. نشان‌دهنده این است که یک بغض وجود دارد و هرطوری شده باید خالی‌اش کرد. جوان‌های ایرانی منتظر تجربه اولین برد بزرگ تیم ملی هستند. آنها هم دوست دارند مثل ۲۰ساله‌های ۲۰سال پیش در کنار هموطنان‌شان در خیابان پایکوبی کنند. این نسل یک پیروزی در جام‌جهانی از فوتبال طلب دارد. چه بهتر اگر این پیروزی مقابل مراکش به دست آید. اگر این واقعه رخ دهد و ایران مقابل مراکش پیروز شود، از سن‌پترزبورگ تا تبریز غرق در قهقهه خواهد شد. از تهران تا بندرعباس برای پرتغال کری خواهند خواند. از مشهد تا خوزستان جشن و هلهله برپا خواهد شد. بعد از این واقعه، ایران حداقل تا مدتی عنوان عصبی‌ترین کشور جهان را به مملکت دیگری می‌سپارد.

مراکشی‌ها از ایران به عنوان یک مهمان غریبه در گروه یاد می‌کنند. غرور شیرهای اطلس به‌حدی زیاد است که اشرف حکیمی، مدافع مراکش، پیش از فینال لیگ قهرمانان گفت: «تمام تمرکز ما روی بردن پرتغال و اسپانیا است.» تاریخ مراکش با نبردهای دایمی آن، در اقیانوس و خاک‌شان پیوند خورده. سال‌ها برای مردان و زنان مراکش، هر موج اقیانوس اطلس می‌توانست توام با کابوس ورود یک بیگانه باشد. حالا اینجا، در این گروه، یک دور مانده از اطلس چه می‌کند؟ برای مردم مراکش، نشستن کنار پرتغال و اسپانیا، یعنی دوباره جنگیدن، دوباره زنده کردن روح سلطان عبدالمالک در قصر الکبیر یا بازنویسی خاطرات‌شان از اندلس. مراکش با اسپانیا و پرتغال آشناست، چون در طول تاریخش مدت‌ها زیر پرچم این دو کشور روزگار گذرانده. ایران هم روزگاری در تنگه هرمز و بندرعباس با پرتغالی‌ها می‌جنگیده، اما دلیل اینکه برای آنها شناخته شده است بازی مستقیم‌شان در جام‌جهانی ۲۰۰۶ است. اگر اسپانیایی‌ها ایران را می‌شناسند و این‌طور مانند مراکشی‌ها ابراز نمی‌کنند ایران غریبه است، به این دلیل است که در جام قبل، عملکرد این تیم را مقابل آرژانتین دیدند و فهمیدند دست کم گرفتن ایران یعنی دردسر. کریم الاحمدی، هافبک میانی تیم ملی مراکش که در فاینورد بازی می‌کند، گفته: «رویای کودکی من، بازی در جام جهانی بود. ولی وقتی شما با اسپانیا و پرتغال در یک گروه باشید، دیگر همه‌چیز رویای فوتبال شما نیست، وظایف‌تان بیش‌تر می‌شود.» یعنی بازی با ایران از نظر بازیکنان مراکش یک دیدار دست‌گرمی برای مقابله با دو غول اروپایی است.

برخلاف اینکه اینجا مدام از ما می‌خواهند تا توقعات را از تیم ملی پایین بیاوریم، مراکشی‌ها نظر دیگری دارند. سرمربی تیم ملی این کشور گفته: «هدف ما را مردم مشخص می‌کنند. مراکشی‌ها می‌گویند باید صعود کنید، ما هم راه‌حل دیگری نداریم.» پس چرا ما نباید توقع صعود داشته باشیم؟ اگر هدف تیم ملی را مردم مشخص می‌کنند، چرا نباید هدف‌مان صعود باشد؟ واقع‌نگر باشیم؟ فوتبال کی با واقع‌نگری جلو رفته؟ کی فکرش را می‌کرد کاستاریکا در گروه مرگ همه تیم‌ها را بکشد و صعود کند؟ کی فکرش را می‌کرد تا یک‌چهارم نهایی مقاومت کنند؟ چه کسی تصور می‌کرد سنگال فرانسه را ببرد؟ فوتبال کی اسیر رئالیسم بوده که ما الان با تن دادن به رئالیسم تیم‌مان را از پیش بازنده بدانیم؟ چرا نور امید را در دل‌مان کور کنیم؟ ما آمدیم از مبارزه در جام جهانی لذت ببریم، نه از حضور در جام.

رویای کازابلانکایی

عمده شهرت مراکش به‌خاطر فیلم معروفی به‌نام کازابلانکا است که داستانش در شهری به‌همین نام در کشور مراکش رخ می‌دهد. فوتبال این کشور مثل بعضی کشورهای آفریقایی دیگر غنی از بازیکنان فوق‌العاده با کیفیت نیست. مثل رقیب هم‌گروه‌شان ساحل عاج ستاره‌هایی در حد دروگبا و توره به جهان فوتبال هدیه نداده‌اند. در بین برترین ستاره‌های فوتبال آفریقا اسمی از مراکشی‌ها نیست و سال‌هاست که نام این کشور کمتر در بین تیم‌های خوب جهان شنیده می‌شود. اما در مورد مراکش، مدیریت کلان کشور کمک خوبی به رشد فوتبال کرده است. مراکش از آن دست کشورهایی است که در جریان بهار عربی با کمی تلطیف سیاست‌های شاه محمد حمید توانست ثبات سیاسی خود را حفظ کند. حفظ ثبات سیاسی چندسال بعد از جریانات سال ۲۰۰۹ که بخش عمده‌ای از جهان عرب را تحت تاثیر قرار داده بود، باعث شد این کشور بتواند جاه‌طلبی‌های سیاسی خود را دنبال کند. بازیکنانی از رئال مادرید، یوونتوس، فاینورد، موناکو، لیل، گالاتاسرای، فنرباغچه، ختافه، آژاکس، ساوت‌همپتون، شالکه و ولورهمپتون در این تیم بازی می‌کنند.

نبرد لنینگراد

این آخرین شانس هر دو تیم برای بقا در جام است. اگر رویایی برای صعود وجود داشته باشد، در این بازی باید پرورش پیدا کند. مساوی به درد هیچ یک از دو تیم نمی‌خورد. اگر ایران و مراکش از پس هم برنیایند، از پس اسپانیا یا پرتغال هم برنمی‌آیند. پیش‌بینی‌ها در مورد این گروه این است که مراکش و ایران خیلی زود به‌خانه برمی‌گردند، اما باید دید کدام‌یک زودتر بلیت برگشتش را باید رزرو کند. نبرد ایران و مراکش، در لنینگراد سابق و سن‌پترزبورگ امروز یکی از حیاتی‌ترین بازی‌های تاریخ این دو کشور است. یک برد می‌تواند این تیم‌ها را تا بازی آخر در جام نگه دارد و امیدوار باشند به اتفاقات فوتبال.

واقعیت‌های بازی

ایران در این بازی سعید عزت‌اللهی را به دلیل محرومیت در اختیار ندارد. در چنین شرایطی احتمالا یا امید ابراهیمی یا مسعود شجاعی زوج احسان حاج‌صفی در پست هافبک دفاعی خواهند بود. ستاره تیم از نگاه «هواسکورد» علیرضا جهانبخش است. آقای گل فوتبال هلند که با درخشش در جام‌جهانی می‌تواند حضورش را در یک لیگ معتبر قطعی کند.

مراکش غایب یا مصدوم خاصی ندارد. شنیده می‌شود شاید اشرف حکیمی به این بازی نرسد که احتمال آن ضعیف است. یعقوب الکعبی، مهاجم خطرناک این تیم شرایط خوبی دارد و می‌تواند ضربات سنگینی به تیم ملی ایران وارد کند. اگر او موفق به گل‌زنی نشود، خالد بوطالب به ترکیب تیم اضافه می‌شود.

با توجه به‌وضعیت دو تیم، کارشناسان «هواسکورد» پیش‌بینی کرده‌اند اگر مراکش گل اول بازی را بزند کار سختی برای کنترل بازی نخواهد داشت. ایران تیمی است که تا زمان دریافت گل اول به خوبی کار دفاع را انجام می‌دهد، اما زمانی که گلی دریافت کند با دستپاچگی کار خودش را سخت‌تر می‌کند. اما در صورتی که ایران گل اول بازی را بزند، بردن این تیم بسیار بسیار سخت خواهد بود.

کمی فنی‌تر

سردار آزمون در مقدماتی جام جهانی یازده گل به‌ثمر رساند و مهاجم اول ایران در این بازی‌هاست. با وجود اینکه تنها گل تیم کارلوس کی‌روش در جام جهانی توسط گوچی به ثمر رسیده، اما احتمالا موضوع بالا رفتن سن باعث شده تا انتخاب اول کی‌روش در این تورنمنت سردار باشد. به‌طور قطع ایران در این دوره از قدرت هجومی بیشتری نسبت به دوره قبل برخوردار است. کی‌روش تیمی با سازماندهی خوب و منظم درست کرده که با سیستم ۴-۲-۳-۱ بازی می‌کند. این تیم در حالت تدافعی به شرایط ۴-۱-۴-۱ تغییر پوزیشن می‌دهد و برای بازپس‌گیری توپ تلاش می‌کند. مدافعان مرکزی تیم ملی نقش فوق‌العاده‌ای در کنترل بازی دارند. جای‌گیری‌های آنهاست که تعیین می‌کند تیم در هر شرایطی چه چیدمانی داشته باشد. زمانی که به جلو حرکت می‌کنند، مدافعان کناری نفوذ می‌کنند و یکی از هافبک‌های دفاعی به کمک بازی‌سازان خواهد رفت. همچنین مدافعان میانی با ارسال توپ‌های بلند برای وینگرها نقش زیادی در ضدحملات تیم دارند. در زمان حمله، به خصوص از کناره‌ها تاکتیک تیم به ۴-۲-۴ تغییر حالت پیدا می‌کند و در این زمان خطرناک‌ترین اتفاق ممکن برای دو تیم رخ می‌دهد. دفاع ایران آسیب‌پذیرتر شده و از سویی برتری عددی در خط حمله با آنها خواهد بود.

مراکش در راه صعود به جام‌جهانی از گروه سخت خودش با حضور ساحل‌عاج و گابن بدون مشکل خاصی صعود کرد. خالد بوطالب در مرحله مقدماتی ۴ گل به‌ثمر رساند که شامل هت‌تریک در بازی خانگی مقابل گابن هم می‌شود. هرو رنارد، سرمربی مراکش تنها مربی‌ای است که با دو تیم مختلف موفق به قهرمانی در جام ملت‌های آفریقا شده. مهدی بن‌عطیه، مدافع مرکزی یوونتوس، کاپیتان این تیم است. مراکش هم مانند ایران با چینش ۴-۲-۳-۱ بازی می‌کند. کریم الاحمدی، بازیکن فاینورد از هافبک‌های دفاعی خوب این تیم است و بوصوفه هم او را حمایت می‌کند. رومان سایس، هافبک دفاعی تیم ولورهمپتون در تیم ملی الجزایر به عنوان یک مدافع میانی بازی می‌کند. این موضوع از آنجا نشات می‌گیرد که هرو رنارد علاقه خاصی به بازی‌سازی از دفاع و در مواقع لزوم ارسال پاس‌های قطری دقیق دارد. حکیم زیش، بازیکن آژاکس هم به عنوان هافبک خلاق این تیم شناخته می‌شود. امرابات، یکی از کلیدی‌ترین بازیکنان مراکش است که مهار او توسط مدافعان کناری ایران یکی از مهم‌ترین وظایف‌شان محسوب می‌شود. و جدای از همه این بازیکنان، نباید از جوان اول بوندسلیگا غافل شد؛ امین هریت، یک وینگر خلاق و تکنیکی است و در جام جهانی به‌دنبال دست‌وپا کردن پیشنهاداتی از طرف تیم‌های مطرح است.

تحلیل

آمریکا، کانادا و مکزیک میزبان‌های جام جهانی ۲۰۲۶

آفریقا به مراکش رکب زد

رای‌گیری برای انتخاب میزبان جام‌جهانی ۲۰۲۶ در شهر مسکو و در فاصله یک روز مانده به آغاز رسمی جام‌جهانی انجام شد و سه کشور ایالات‌متحده، کانادا و مکزیک موفق شدند در نبرد با مراکش میزبانی را از آن خود کنند. سه کشور امریکای شمالی و حوزه دریای کاراییب در این راه ۶۷ درصد آرا را به خود اختصاص دادند و کشور آفریقایی تنها توانست نظر ۳۳ درصد اعضا را به سمت خود جلب کند. در این بین با اعلام ریز نتایج توسط فیفا رای چند کشور جالب توجه به نظر می‌رسد که در ادامه با هم مرور می‌کنیم. ایران تنها کشوری بود که در این انتخابات موضع ممتنع به خود گرفت. منازعات سیاسی بین ایران و امریکا/ کانادا و همچنین ایران و مراکش دلیل اتخاذ این تصمیم در سطح مدیران فوتبالی کشورمان عنوان شد. چندساعت قبل از شروع مراسم رای‌گیری، مجلس عوام کانادا طرح توقف مذاکرات با ایران را تصویب کرد. از مدتی قبل هم به خاطر آنچه دخالت ایران در مراکش و تجهیز نیروهای ضددولتی آن کشور عنوان شد، روابط تهران-رباط در وضعیتی مبهم قرار گرفته بود. به این ترتیب واضح بود که رای ایران قطعا به سبد هیچ کدام از این دو نامزد میزبانی جام‌جهانی نخواهد رفت. غیر از ایران که رای ممتنع داشت، کشورهای اسپانیا، کوبا و اسلونی اصلا در انتخابات شرکت نکردند! از دیگر نکات جالب رای‌گیری خالی کردن پشت مراکش توسط کشورهای آفریقایی بود. در بیانیه‌ای که قبل از انتخابات توسط کشورهای عضو کنفدراسیون آفریقا صادر شد، آنها حمایت خود را از میزبانی کشور هم‌قاره‌شان اعلام کردند. با توجه به مصاحبه توهین‌آمیز چند وقت گذشته ترامپ در مورد سیاه‌پوستان و آفریقایی‌ها می‌شد، حدس زد که این حمایت به صورت کامل انجام شود، اما نتایج انتخابات نشان می‌دهد که کشورهایی مثل آفریقای جنوبی، نامیبیا، سیرالئون، زیمبابوه و چند کشور آفریقایی دیگر به قول‌شان پایبند نماندند. گویا لابی امریکایی‌ها قوی‌تر و وعده‌هاشان جذاب‌تر بوده. در کنار رای‌های سیاسی کشورهایی مثل سوریه و کره‌شمالی که به مراکش رای دادند، کشورهای صاحب فوتبال هم رای‌های‌شان را بین دو نامزد تقسیم کردند. کشورهای ایتالیا، فرانسه، برزیل و هلند رای‌شان را در سبد مراکش انداختند و آلمان و انگلستان و آرژانتین رای به میزبانی کشورهای امریکای شمالی دادند. نمی‌توان با قطعیت دلیل این تقسیم‌بندی را عنوان کرد. یعنی نه دلایل سیاسی مشخصی وجود دارد و نه ارتباط خاصی می‌توان پیدا کرد که چرا آلمان با اینکه در چند وقت اخیر از لحاظ تجاری حسابی با ایالات متحده درگیر شده باز هم به این کشور رای می‌دهد، اما فرانسه که در وضعیتی مشابه با آلمان در مناسباتش با امریکا قرار دارد به مراکش رای داده. در مورد کشورهای برزیل و آرژانتین اما وضعیت واضح‌تر است. آرژانتین احتمالا پیرو اکثریت کشورهای امریکای جنوبی ترجیح داده همسایه‌های شمالی‌اش میزبان باشند و برزیل به دلیل سیاست‌های مداخله‌جویانه امریکا که از دیرباز در این کشور وجود داشته، خواسته به‌نوعی انتقام بگیرد.

اما از همه اینها واضح‌تر لابی‌ها و خرید و فروش‌هایی است که قبل از انتخابات انجام می‌گیرد. لابی‌هایی آنقدر قدرتمند و تاثیرگذار که حتی می‌تواند بر منازعات سیاسی کشورها هم تاثیرگذار باشد و گرنه چرا روسیه باید به ایالات متحده رای بدهد؟ یادمان نرفته که دو ماه پیش، روسیه و امریکا نزدیک بود در سوریه یک تقابل نظامی واقعی داشته باشند. ترامپ از موشک‌های زیبا و هوشمندش می‌گفت که می‌تواند استحکامات نظامی روسیه را نابود کند و پوتین در جواب تهدیدهای همتای امریکایی‌اش از قدرت وحشتناک نیروهای نظامی روس می‌گفت. همه این موارد نشان می‌دهد که شکل روابط در فوتبال کاملا متفاوت از دنیای سیاست است هرچند این دو اهرم قدرتمند می‌توانند عمیقا روی یکدیگر تاثیرگذار باشند.

2026 FIFA WORLD CUP™
CANADA, MEXICO, USA

یادداشت

به احترام فئودور داستایفسکی

قمار بزرگ در روسیه

علی ولی‌اللهی

آلکس ایوانویچ از قمارخانه خارج می‌شود؛ در حالی که تمام زندگی‌اش را باخته. جز تنها سکه باقی مانده در جیبش. دارد به این فکر می‌کند که بخشی از این سکه را برای خرید غذا کنار بگذارد و بخش دیگرش را دود کند. در همین حال به ناگاه راه خود را به سمت قمارخانه کج می‌کند. آلکس برمی‌گردد تا تنها چیزی که برایش باقی مانده را نیز قمار کند. اینها بخشی از سرگذشت راوی رمان جذاب قمارباز، نوشته فئودور داستایفسکی رمان‌نویس مشهور روسیه است. یکی از پرکارترین نویسندگان تاریخ معاصر که اگر الان زنده بود، حتما رمانی هم در مورد جام‌جهانی روسیه می‌نوشت. یا لااقل می‌توانیم بگوییم که او نمی‌توانست نسبت به این واقعه بی‌تفاوت باشد. کسی که رمان قمارباز را می‌نویسد نمی‌تواند نسبت به بزرگ‌ترین قماری که در کشورش در حال برگزاری است بی‌اعتنا باشد.

قمار بزرگ جام‌جهانی در روسیه در حال شروع است. ۳۲ تیم از اقصی نقاط دنیا آمده‌اند تا روی یک جام شرط‌بندی کنند. بعضی از تیم‌ها شانس بیشتری دارند و بعضی‌ها کمتر. اما هیچ کس بی‌شانس نیست. مثل رولت روسی. شما می‌توانید تمام پول‌تان را روی خانه‌ای که شانس کمتری دارد بگذارید، امکان برنده شدن‌تان خیلی کم است، اما اگر برنده شوید شاهکار کرده‌اید و پول‌تان را چند برابر. تیم‌ها و آدم‌هایی در روسیه هستند که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. هرچه هست همین جاست. هیچ چیزی برای آینده ذخیره نمی‌شود. هیچ چیزی برای فردا وجود ندارد. بازیکنان و مربیان می‌دانند اگر هر چه دارند رو نکنند، داشته‌های‌شان دیگر هیچ‌وقت به دردشان نخواهد خورد. مثل قماربازها که هیچ‌وقت فکر فردا را نمی‌کنند. برای آنها «دم» مهم‌ترین چیز است. تمام تیم‌های حاضر در جام‌جهانی باید مثل قماربازها فکر کنند. می‌رویم که برنده شویم.

قمارباز داستایفسکی هم رقابت کلی آدم برای کسب قدرت و ثروت را نشان می‌دهد. رمانی که نوشتنش یک ماه طول کشید. درست به اندازه طول برگزاری یک دوره جام‌جهانی. در روایت داستایفسکی آدم‌هایی از جاهای مختلف دنیا آمده‌اند و می‌خواهند «ژنرال» را سرکیسه کنند؛ ژنرالی که خودش منتظر مرگ کس دیگری است تا اموالش را تصاحب کند. مارک دگریو فرانسوی که کلی پول به ژنرال قرض داده و اموال ژنرال را گرو گرفته و در پی سودش است، مستر آستلی انگلیسی که خیلی مرموزانه آن اطراف می‌پلکد. مادربزرگ که اهل مسکو است و چنان به قمار معتاد می‌شود که یک نفر باید خود او را جمع کند. دوشیزه بلانش که در سر سودای مرگ مادربزرگ (مادر ژنرال) و ازدواج با پسر ۶۵ ساله او را دارد. همه و همه در حال یک قمار بزرگ هستند و خود آلکس دارد زندگی‌اش را روی عشق پولینا قمار می‌کند. هیچ کس نمی‌تواند در مقابل وسوسه قدرتمند و هوس کودکانه قمار مقاومت کند.

انگار یک جام‌جهانی کوچک در آن خانواده در جریان است. هرکس وارد شده تا موفقیت خودش را به دست بیاورد. اما چه کسی در نهایت می‌تواند برنده باشد؟ داستایفسکی می‌گوید آن کسی که هیچ‌چیزی برای از دست دادن ندارد، برنده می‌شود. اما باید بگوییم که در جهان‌بینی آلکس قمارباز برنده و بازنده باز تعریف شده. او قمار را در وهله اول به خاطر خود قمار بازی می‌کند. لذت و سرمستی‌ای که این کار به او می‌دهد، چند برابر بزرگ‌تر از پول است. مثل تیم‌های حاضر در جام‌جهانی و طرفداران‌شان. همه می‌دانند که بعد از این همه سر و دست شکستن‌ها و هیجان تنها یک تیم جام را بالای سر می‌برد و بقیه تیم‌ها ول معطلند. اما این به هیچ‌وجه باعث نمی‌شود که آنها شانس حضور در چنین رویدادی را از دست بدهند. همین‌طور طرفداران‌شان. هرکسی که الان در روسیه است و هرکسی که با جدیت تمام اخبار و حواشی جام را دنبال می‌کند، تمام بیننده‌های میلیاردی مسابقات، در وهله اول به خاطر خود فوتبال و هیجان و سرمستی بی‌نظیرش پیگیر مسابقات هستند. در این مسیر شادی هست، گریه هست، برد هست، باخت هست ولی هیچ چیز تمام نمی‌شود. این قمار که تمام شود می‌روند سروقت قمارهای دیگر. جام ملت‌های قاره خودشان. جام‌های باشگاهی. جام جهانی بعدی. می‌گویند قمارباز اگر بعد از باخت نگوید: «به قوزک پام» از غصه دق می‌کند. طرفداران فوتبال هم همین شکلی هستند. هر بار که می‌بازند می‌گویند دوره بعد، فصل بعد، بازی بعد. هیچ کس بی‌خیال نمی‌شود. همانطور که مولانا می‌گوید:

خنک آن قماربازی که بباخت هرچه بودش / بنماند هیچش الا هوس قمار دیگر.

قمار بزرگ در روسیه دارد آغاز می‌شود. کشوری که سایه سنگین ادبیاتش، رمان‌نویسان و شاعرانش بر سر دنیای هنر سنگینی می‌کند، این‌بار می‌خواهد با فوتبال در مرکز توجهات جهانی قرار بگیرد. در این کارناوال هزار رنگ، فقط عشق به فوتبال است که جریان دارد. عشق به قمار.

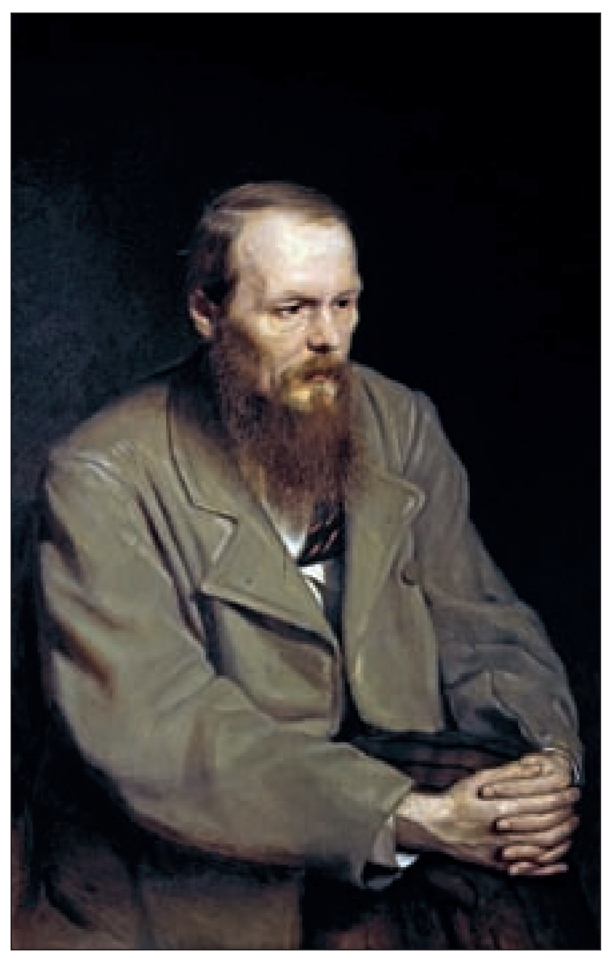

روایت

ماتراتزی و جام جهانی ۲۰۰۶

در جام جهانی وقت نداری

مارکو ماتراتزی

ترجمه: بهار سرلک

پیروزی در جام جهانی بهترین احساس یک فوتبالیست است. تجربه‌ای که من و بسیاری دیگر در کودکی رویایش را در سر پرورانده‌ایم و در حقیقت احساسی شگرف است که تا باقی عمرت همراهت می‌ماند.

مشخصا بردن جام جهانی کار راحتی نیست. تا به حال فقط ۲۰ تیم از پس آن برآمده‌اند و من خودم را خوش‌شانس می‌بینم که از میان این تعداد کم در سراسر جهان توانستم چنین احساسی را تجربه کنم.

خب، چطور ما برنده ۲۰۰۶ شدیم؟ دلایل متعددی وجود دارند اما جنبه‌ای مهم در این پیروزی نقش داشت که کاملا کلیدی بود: ما در بازی با آلمان برای همدیگر جنگیدیم؛ یک تیم درست و حسابی بودیم. همبستگی گروه راز این موفقیت است. تیم باید متحد باشد.

این مولفه مهم‌تر از توانایی ورزشی فردی است. اینکه تک‌تک افراد روی هدف یعنی بردن جام جهانی، متمرکز باشند، نکته‌ای بنیانی است و ما در سال ۲۰۰۶ همین تمرکز را داشتیم. همچنین در گروه ما همه با هم دوست بودیم- یعنی فراتر از یک مجموعه فوتبالیست- که کمک شایانی به ما کرد.

هیچ چیز نمی‌توانست ما را تحت فشار بگذارد. ما همواره قوی‌تر از هر مانعی بودیم. دو سالی می‌شد که ما با همدیگر، یک گروه بازیکن، پیش رفته بودیم. طی تمرین‌ها و مسابقات به شناخت خوبی از همدیگر و شخصیت‌های یکدیگر رسیده بودیم. با همدیگر احساس قدرت می‌کردیم. مطمئن بودیم این رویای بزرگ را به دست می‌آوریم. کل کشور این اعتمادبنفس را داشت.

و خطاب به بازیکنان (و مربیانی) که می‌خواهند جام جهانی را ببرند می‌گویم- به نظر من- باید یک قانون را از بر کنند: آنهایی که بازی نمی‌کنند مهم‌تر از آنهایی هستند که در میدان مسابقه هستند. مهم است که هر روز همه احساس درگیری کنند حتی کسانی که جزو بازیکنان شروعِ بازی‌های بعدی نیستند. معنای یک تیم همین است. ایتالیا در سال ۲۰۰۶ جام جهانی را به خانه برد چون آنهایی که بازی می‌کردند و آنهایی که بازی نمی‌کردند در یک سطح قرار داشتند؛ هرگز مشکلی نبود و همه آماده بودند هر وقت لازم باشد خودشان را برای تیم به آب و آتش بزنند؛ اهمیتی نداشت ستاره بودی یا نه. همه و منظورم حقیقتا همه است.

این نوع روحیه به تیم اجازه می‌دهد قوی‌تر باشد. در تابستان ۲۰۰۶ آن ماجرای رسوایی مشهور کالچو پولی اتفاق افتاد. عموم مردم اظهارنظر کردند و مطبوعات می‌خواست فابیو کاناوارو اخراج شود. کاناوارو، کاپیتان ما بود و کاپیتان جایگاهی مصون دارد بنابراین ما مدافع او شدیم، به او احترام گذاشتیم و از این ماجرا قوی‌تر بیرون آمدیم.

خانواده هم نقشی کلیدی ایفا می‌کند: طی برگزاری جام جهانی همسران و نامزدها در هتلی دیگر اقامت داشتند. این هم نشان دیگری از همبستگی است. بدین شکل ما می‌توانستیم روز بعد از بازی‌ها آنها را ببینیم. کارشان خرید کردن نبود و مثل زنان فوتبالیست‌های مشهور کلیشه‌ای رفتار نمی‌کردند؛ آنها بچه‌ها را با خودشان می‌آوردند تا در پارک بازی کنند. مسائل جانبی خارج از میدان هم برای شکل‌گیری یک گروه در جام جهانی حایز اهمیت است.

در میدان رقابت آمادگی ورزشی پیش از جام جهانی مولفه‌ای بنیانی است. باید ورزیده وارد میدان شوی. چهار روز در هفته بازی می‌کنی تا در بهترین و کامل‌ترین فرم قرار بگیری. بعد از بازی‌ها تمرینی سبک داری، بعد یک یا دو تمرین داری و به میدان بازمی‌گردی. زمان استراحت نداری.

به هنگام نزدیک شدن به مسابقات بزرگ، دانستن مدیریت لحظات مهم است؛ هر کسی به شیوه خودش آن را طی می‌کند. من سراغ پلی‌استیشنم می‌روم! روز فینال ایتالیا-فرانسه، ساعت ۵:۳۰ دقیقه عصر به وقت محلی، پس از میان‌وعده‌ای که خوردیم، چند ساعتی قبل از بازی... در اتاقم با فرانچسکو توتی و وینچنزو یاکوینتا پلی‌استیشن بازی می‌کردیم، همین خیلی چیزها را روشن می‌کند.

در جام جهانی وقت نداری بعد از هر برد جشن بگیری- شاید در یک‌چهارم نهایی یا نیمه نهایی بتوانی- چون فقط می‌توانی جلو را نگاه کنی و رازش این است که متمرکز بمانی. بعد از اینکه آلمان را در دورتموند بردیم خوشحال بودیم اما از پیش از آن در فکر فرانسه بودیم. این طرز فکر برد است.

بعد نوبت مربی می‌شود. با شهامت بودن، مولفه اساسی مربی پیروز در جام جهانی است. مارچلو لیپی، مربی تیم ما در ۲۰۰۶ همین ویژگی را داشت. او تصمیم‌های سختی می‌گرفت که بازی را دگرگون می‌کرد. اگر شخصیت و شجاعت داشته باشید، قهرمانان بزرگ به حرف‌های شما گوش می‌دهند و برای‌تان احترام قایل هستند.

توصیه‌ام از لحاظ روانی این است که هرگز دلسرد نشوید. از لحظه‌هایی که فراموش‌شان نکردم گلی است که در فینال به فرانسه زدیم... اما درست چند لحظه قبل یک پنالتی داده بودم. هنوز می‌توانم آن پاس را به خاطر بیاورم، درونت احساس بدی داری. امیدوار بودم زین‌الدین زیدان آن را گل نکند. این‌طور نشد اما به خودم گفتم بی‌خیال نشو و سرنوشت آن گل به‌یادماندنی را به من هدیه کرد.

اصلی‌ترین تصویر ذهنی که از جام جهانی دارم وقتی است که جیجی ریوا، مهاجم سابق کالیاری، افسانه فوتبال ایتالیا که در ۴۲ بازی ملی ۳۵ گل زد، به من گفت: «مارکو، ۱۰۰ گلی که زده‌ام را با یکی از گل‌های تو عوض می‌کنم.» بعد از آن بود که به اهمیت کاری که کرده بودم پی بردم. بعد شکوه گروهی خارق‌العاده را دریافتم. جام جهانی را فقط یک گروه می‌تواند به خانه ببرد مثل آن تیم شگفت‌آور ایتالیا.

The Guardian

جامعه

زنان از سنگ‌نوشته‌های قدیم تا دیوارنگاره‌های جدید

بی‌مهری به نیمی از ملت

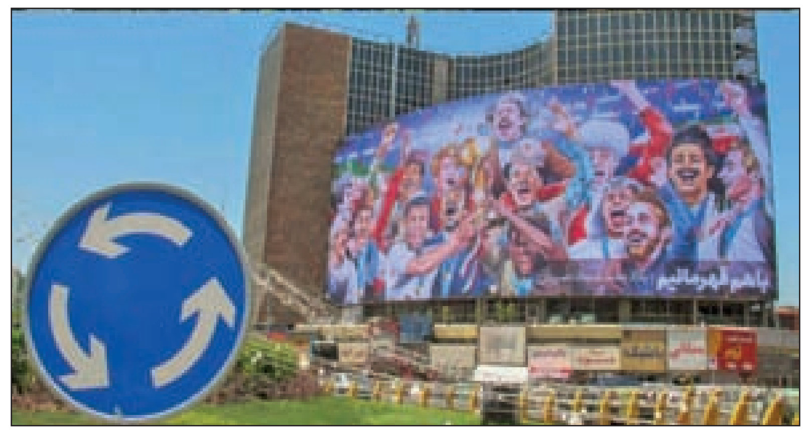

وحید جعفری

جام جهانی که می‌آید با خود خوراک لازم و کافی را می‌آورد. سوژه بسیار است؛ از کجا بنویسیم؟ از دلار هفت تومنی علی پروین یادلار هفت تومنی عادل فردوسی‌پور؟! از برکناری سرمربی اسپانیا یا شکوه سرد شهر مسکو که این روزها در تب فوتبالدوستان دنیا می‌سوزد و ایرانی‌هایی که خود را به قلب روسیه رسانده و آنجا را روی سر خود گذاشته‌اند؟ شاید نه، بهتر باشد از دیوارنگاره‌ای که در میدان ولیعصر تهران به مناسبت شروع جام جهانی روسیه نصب شده و واکنش‌های بسیاری در بین توده مردم و البته در صفحات مجازی برانگیخته، بنویسیم. دیوارنگاره‌ای با مضمون «باهم قهرمانیم؛ یک ملت، یک ضربان» که سعی شده تصویر اقوام و قومیت‌های مختلف ایران در آن جای داده شود و نشان‌دهنده وحدت و همبستگی باشد؛ اما یک ایراد بزرگ دارد و آن اینکه نیمی از جامعه ایران در آن نادیده گرفته شده. در این دیوارنگاره تصویر هیچ زنی وجود ندارد و همین موضوع انتقادات بسیاری را به دنبال داشته است. منتقدین می‌گویند وقتی از یک ملت نام برده می‌شود پس باید تمام ملت را در نظر گرفت نه اینکه حتی تصویر یک بانوی ایرانی روی این دیوارنگاره نباشد و پایین آن بنویسند «یک ملت.»

این بی‌مهری در حالی در حق بانوان ایرانی صورت گرفته که همین چند وقت پیش زنان فوتسالیست کشورمان در رقابت‌های آسیایی موفق شدند با غلبه بر تیم قدرتمند ژاپن به عنوان قهرمانی برسند و حالا این سوال مطرح است که چرا با اینکه در سنگ‌نوشته‌های قدیمی هم تصاویر زنان وجود دارد حالا و در سال ۲۰۱۸ باید اینگونه زنان یک جامعه نادیده گرفته شوند؟ طرفداران حقوق زنان این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا در دیوارنگاره‌های قبلی که مربوط به انتخابات و راهپیمایی بودند تصویر زنان از قلم نیفتاده بود اما حالا که پای جام جهانی و تیم ملی وسط است تصویر هیچ زنی در این طرح نیست؟ آنها خواستار تغییر این دیوارنگاره هستند و می‌گویند حالا که نمایندگان مجلس از سفر به جام جهانی منصرف شده‌اند بهتر است هزینه سفر آنها برای دیوارنگاره جدیدی که در آن تصویر زنان هم وجود دارد صرف شده و جایگزین دیوارنگاره فعلی شود. ضمن اینکه کاربران صفحات مجازی یک بار دیگر بحث ورود زنان به ورزشگاه‌های فوتبال در ایران را نیز پیش کشیده و خواستار این شده‌اند حالا که قرار است نمایشگر بزرگی در ورزشگاه ۱۰۰ هزار نفری آزادی برای تماشای فوتبال برای خانواده‌ها در نظر گرفته شود در ادامه، این امکان نیز به خانواده‌ها داده شود تا مسابقات تیم ملی و لیگ را در ورزشگاه تماشا کنند.

البته که بسیاری از بانوان ایرانی خود را به روسیه رسانده‌اند تا، حالا که در ایران نمی‌توانند راهی ورزشگاه شوند در روسیه و در رویداد مهم جام جهانی راهی ورزشگاه شده و از تیم ملی فوتبال ایران حمایت کنند. در بازی دوستانه ایران و ترکیه در استانبول نیز بسیاری از زنان ایرانی راهی استادیوم شده و تیم ایران را تشویق کرده بودند. حال این طرفداران راهی بزرگ‌ترین کشور دنیا شده‌اند تا تیم ملی فوتبال را که در استادیوم آزادی نمی‌تواند از حمایت بانوان بهره‌ببرد، در خارج از خانه حمایت کنند.

نگاه-۲

تاریخچه میزبان‌های جدید

جام‌جهانی ۲۰۲۶ در یک قاره

امریکای شمالی، موفق شد اولین میزبان جام‌جهانی ۴۸تیمی باشد. کشورهای ایالات متحده امریکا، مکزیک و کانادا؛ موفق شدند به‌صورت مشترک مراکش را شکست بدهند. با وجود اختلافات عمیقی که بین مکزیک و امریکا وجود دارد، این دو کشور در ائتلاف برای میزبانی باقی ماندند تا شانس‌شان مقابل حریف آفریقایی بیشتر باشد. با وجود اینکه تا دو روز پیش از رای‌گیری فاصله دو نامزد نهایی بسیار کم بود و پیش‌بینی می‌شد شاهد یک رقابت نزدیک باشیم، لابی‌های امریکا کار خودش را کرد. برای اولین‌بار در تاریخ سه کشور میزبان جام‌جهانی خواهند بود و تنوع آب‌وهوایی گسترده‌ای را شاهد هستیم. گستره جغرافیایی جام ۲۰۲۶ از اطراف قطب شمال تا نزدیکی‌های خط استوا خواهد بود. این اولین‌بار بعد از میزبانی کره‌وژاپن است که کشورهایی موفق می‌شوند با ائتلاف میزبانی را به دست آورند. سال ۲۰۱۰ از قول بلاتر گفته شد میزبانی کره و ژاپن آخرین میزبانی مشترک همه جام‌های جهانی بود. تجربیات آن جام انگار برای اعضای مجمع فیفا چندان خوشایند نبوده، چون برای مردم از نظر میزبانی مشکلی پیش نیامد و خوشحال بودند. در ائتلاف سه کشور امریکای شمالی، تنها کاناداست که سابقه میزبانی از جام‌جهانی مردان را ندارد. آنها در سال ۲۰۱۵ جام‌جهانی جنجالی بانوان را برگزار کردند. از این حیث که بازیکنان بسیار از دست فیفا شاکی بودند که چرا قبول کرده بازی‌ها روی چمن مصنوعی برگزار شود. بانوان تیم ملی امریکا می‌گفتند امکان ندارد حتی یک بازی از جام‌جهانی مردان روی چمن مصنوعی برگزار شود، اما برای جام جهانی زنان هیچ سخت‌گیری خاصی نمی‌شود. حالا باید دید استادیوم‌های کانادا تا سال ۲۰۲۶ می‌توانند با چمن طبیعی میزبان جام جهانی باشند یا خیر. مکزیک با این میزبانی تبدیل به اولین کشوری می‌شود که سابقه برگزاری سه میزبانی جام جهانی را در کارنامه‌اش دارد. آزتک‌ها، جام‌های جهانی خاطره‌انگیزی را پیش‌تر برای مردم ساخته‌اند و از نوع تشویق هواداران خونگرم مکزیکی همچنان تقلید می‌شود. گل معروف مارادونا که به دست خدا معروف است در جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک به‌ثمر رسید. امریکا در سال ۹۴ به عنوان میزبان جام‌جهانی یکی از پرتماشاگرترین جام‌ها را برگزار کرد. استادیوم‌های بزرگ این کشور عکس‌هایی خلق کردند که هنوز هم در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌چرخند. این میزبانی خاطره‌انگیز با ضربه پنالتی باجو و عکس‌هایی که از زوایای مختلف همچنان از او منتشر می‌شود در یادها هست. گل به‌خودی اسکوبار هم در دور گروهی همین رقابت‌ها بود. از نظر فوتبالی میزبانی این سه کشور از میزبانی مراکش با ریسک کمتری همراه است. استادیوم‌ها در این سه کشور تنها نیاز به بازسازی دارند و زیرساخت‌های لازم از نظر هتل، امنیت و حمل‌ونقل مهیا هستند. همچنین با این انتخاب شائبه دریافت پول توسط مدیران فیفا هم مطرح نمی‌شود. در این بین مراکش ضرر هنگفتی کرد. آنها هزینه‌های سرسام‌آوری برای اثبات حسن نیت‌شان کرده بودند. میزبانی از دیدارهای جوانان و امیدها و برگزاری جام باشگاه‌های جهان در این کشور با هزینه زیادی همراه بود که نتیجه خاصی هم در بر نداشت. پروژه سلطان این کشور مانند پادشاه قطر موفق پیش نرفت و در لابی‌های نهایی دچار مشکل شد.

خبر

به مناسبت جام جهانی ۲۰۱۸

کاهش تعرفه رومینگ همراه‌اول در دو اپراتور مهم روسیه

تعرفه رومینگ بین‌الملل «مکالمه، پیامک و اینترنت همراه» مشترکین همراه اول در دو اپراتور بزرگ روسیه کاهش یافت.

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، به مناسبت آغاز بازی‌های جام جهانی و در جهت رفاه حال هموطنانی که به کشور روسیه سفر کرده‌اند، از روز چهارشنبه ۲۳ خرداد ماه تعرفه مکالمه، پیامک و اینترنت همراه‌اولی‌ها در دو اپراتور MTS و Tele۲ روسیه حدود ۸۰ درصد کاهش یافت.

بر این اساس، تعرفه مکالمه مشترکین همراه اول با ایران از دقیقه‌ای ۳۶۹۰۰ تومان به دقیقه‌ای ۲۸۰۰ تومان، مکالمه دریافتی از دقیقه‌ای ۱۲۵۰۰ تومان به دقیقه‌ای ۱۵۰۰ تومان، مکالمه با شماره داخلی روسیه از دقیقه‌ای ۲۲ هزار تومان به دقیقه‌ای ۱۵۰۰ تومان، ارسال پیامک از دقیقه‌ای ۳۱۰۰ تومان به دقیقه‌ای ۵۰۰ تومان کاهش یافت و اینترنت همراه برای اپراتور Tele۲ هر مگابایت ۵۰۰ تومان محاسبه می‌شود. دریافت پیامک نیز رایگان است.

گفتنی است، رومینگ بین‌الملل اپراتور اول از طریق ۲۷۱ اپراتور در ۱۱۲ کشور قابل استفاده است.

مشترکین همراه اول می‌توانند از طریق کد *۱# از صورتحساب سیم‌کارت‌های دایمی خود قبل از سفر، اطلاع یافته و با پرداخت بدهی صورتحساب خود (حتی در حالت قطع سیم‌کارت)، یا با افزایش موجودی (بستانکاری)، سقف اعتبار سیم‌کارت خود را افزایش داده و از قطع به دلیل بدهی، به‌ویژه در هنگام استفاده از سرویس رومینگ، جلوگیری کنند.

همراه‌اولی‌ها می‌توانند جهت دریافت اطلاعات تعرفه‌ای رومینگ بین‌الملل، به پرتال این اپراتور به نشانی www.mci.ir مراجعه یا نام کشور مورد نظر را به شماره ۸۰۷۰ پیامک کنند.